

حسین فصیحی

جان‌هایی که بر سر طمع می‌رود

رسیدن به پول یک شبه، رؤیای بسیاری از جوانان شده است. پیدا شدن گنج و از دست رفتن جان و مال بسیاری از افراد، خبری است که مدام به صفحه حوادث راه پیدا می‌کند. انگیزه همه این خیرها هم مشخصاً طمع کردن قربانیان پرونده‌هاست.

در جریان این پرونده‌ها مشخصاً یک نفر متوجه می‌شود که مرد چوپانی در بیابان یا کارگری افغان هنگام کندن چاه، گنجی یافته و می‌خواهد آن را به بهای کمتری به پول نقد تبدیل کند. تجربه نشان می‌دهد که دریافت کنندگان این خبر برای رسیدن به گنج و ثروتی بادآورده، دست به کار می‌شوند و هر طور شده پول را تهیه می‌کنند و از محل قرار حاضر می‌شوند. این افراد اگر خوش اقبال باشند و جانشان را از دست ندهند، تنها با از دست دادن پول‌هایشان، محل را ترک می‌کنند اما تا پایان عمر، تاوان معمارکی‌شان را فراموش نمی‌کنند. یکی از قربانیان این دست پرونده‌ها مردی به نام علی است که می‌گوید یک روز تلفن همراهم زنگ خورد. گوشی را که برداشتم مردی با لهجه شهرستانی خودش را چوپان معرفی کرد و گفت در صحرا مقدار زیادی مجسمه طلایی پیدا کرده‌است و می‌خواهد آن را به پول نقد تبدیل کند. حاضر است که مجسمه‌ها را به بهای کمی به من بفروشد. سوسه شدم و ۲۰۰ میلیون تومان پول را با سختی تهیه کردم و راهی شهرستان شدم. در بیابان با آن مرد قرار گذاشتم و مجسمه‌ها را هم نشانم داد. همراه او به یک پلافروشی رفته و مرد پلافروش بعد از بررسی، تأیید کرد که یکی از مجسمه‌ها طلایی است. بعد برای تبادل به بیابان برگشتم. پول را تحویل دادم و کیسه طلایی را گرفتم و خوشحال راهی تهران شدم. لحظاتی بعد وقتی در کیسه را باز کردم داخلش چیزی پیدا نکردم جز چند اسباب‌بازی. آن مرد در فرصتی مناسب کیسه را با کیسه‌ای مشابه عوض کرده بود. وقتی با شماره او تماس گرفتم، مستحرام کرد و گفت هیچ دیوانه‌ای گنج یافته را با فرد دیگری شریک نمی‌شود. بعد از قطع تماس، تلفن او برای همیشه از دسترس خارج شد.

هنوز بخت با علی رای است که توانسته از میان این حادثه جان سالم به در ببرد. علی بیم شکایت دارد؛ چراکه ساختارهای قانونی اجازه خرید و فروش اشیای عتیقه را از افراد سلب کرده است و آنها را تحت پیگرد قرار می‌دهد. حقیقت مطلب همان است که آن چوینده قلابی گنج، در آخرین تماس، آن را با علی در میان گذاشته است. اینکه هیچ فردی حاضر نمی‌شود گنج یافته خود را با دیگران سهیم شود. چنانچه کسی به گنجی هم دست پیدا کند، راه تبدیل کردن آن به پول را هم پیدا خواهد کرد و آن را با افراد بیگانه در میان نخواهد گذاشت. افراد جامعه در هر کسویی که هستند باید یاد بگیرند چه از قانون و ساختارهای اجرایی آن به جای دیگری تمسک پیدا نکنند؛ چرا که دست یافتن به ثروت حلال و شهرت، تنها از راه تلاش فردی می‌گذرد و افرادی که سرنوشته خود را به چنین خیرهایی گره می‌زنند، زندگی و حیثیت اجتماعی خود را با خطر مواجه خواهند کرد.

نجات مرد جوان از دام آدم‌ربایان

دو آدم‌ریا که متهم هستند مرد جوانی را در یکی از خیابان‌های ذوق‌فول پاری اخذای از خانواده‌اش روده بودند به دام پلیس افتادند.

این حادثه شامگاه سه‌شنبه، ۲۹م‌ای ماه در خیابان مقاومت ذوق‌فول انتساق افتاد و دو مرد مسلح با تهدید جوان ۲۷ ساله را سوار خودروی خود کردند و از محل فریختند. مأموران پلیس که با تماس شاهدان در محل حاضر شده بودند، متوجه شدند که آدم‌ربایان در قبال رهایی گروگان خود، درخواست پول کرده‌اند. پس از آن تیمی از مأموران پلیس اگاهی دست به کار شدند تا اینکه عصر روز پنج‌شنبه خبر رسید آدم‌ربایان در حالی که پلیس را در یک قدمی خودمی‌دیدند، گروگان خود را کنار باغی در صفا آباد راه کرده و گریختند. سرهنگ علی الهیامی، فرمانده انتظامی ذوق‌فول گفت: متهمان شناسایی شده‌اند و تلاش برای بازداشت آنها در جریان است.

سقوط جرثقیل این بار در شهرک باقری

سقوط جرثقیل تاورکوب این بار در شهرک شهیدباقری حادثه‌ساز شد.

این حادثه ساعت ۱۲:۱۱ در بلوار خرم آباد شهرک شهید باقری تهران اتفاق افتاد. محل حادثه یک پروژه ساختمانی مسکونی بود که مرحله گودبرداری آن به پایان رسیده بود و کارگران مشغول اسکلت‌بندی محل بودند.

بررسی‌ها حکایت از این داشت که جرثقیل هنگام جا به جا کردن ستون‌های سنگین فلزی از داخل یک تریلر به یکباره از ستون اصلی نگهدارنده خود جدا می‌شود و روی تریلر سقوط می‌کند. اپراتور جرثقیل هم که جوانی ۲۵ ساله بود، از فاصله ۱۰ متری به پایین پرتاب می‌شود. جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی گفت: آتش‌نشانان بعد از حضور در محل و ایمن‌سازی، اپراتور جرثقیل را که دچار جراحات شده بود، راهی بیمارستان کردند. در دو ماه اخیر دست کم سه مورد حادثه سقوط جرثقیل در نقاط مختلف پایتخت گزارش شد که در این حوادث یک کشته و دو زخمی برجای ماند.

قتل

طمع کردن برای رسیدن به ثروت یک‌شبه جان مرد را گرفته است

مردان فریبکار برای رساندن مرد میانسال به گنج رؤیایی‌اش او را در ساختمانی در شمال شهر به قتل رساندند و سرمایه‌اش را سرقت کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۹ شامگاه چهارشنبه ۳۰دی‌ماه، قاضی سعید احمدییگی، بازپرس ویژه‌قتل از دادسرای جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۰۲ از قتل مرد ۴۲ ساله‌ای با خبر شد. مأموران به بازپرس گفتند در جریان قتل این مرد، برادر ۴۴ ساله او هم مجروح و به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شده‌است. محل حادثه هم طبقه سوم ساختمانی هشت طبقه و تازه ساخت در کوچه گلستان دهم، حوالی میدان هروی بود.

پس از اعلام این خبر، بازپرس به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در بیمارستان حاضر شد. نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول در کار خرید و فروش طلا و سکه‌های عتیقه بوده است که با ضربات متعدد چاقو به پشت و ضربات جسم سخت به سرش فوت شده است. همچنین متخض آن مرد مقتول در حضور داشته با دو ضربه چاقو به ران پایش و چند ضربه چوب به سرش زخمی شده است.

■ شرح ماجرا از زبان شاهد حادثه

برادر مقتول در شرح ماجرا گفت: من و برادرم هر دو در شهر ی زندگی می‌کنیم. من خودروی پرآید دارم و با آن مسافرکشی می‌کنم، اما برادرم مدتی است در کار خرید و فروش عتیقه فعالیت می‌کند. همیشه درباره این کار غیر قانونی به او هشدار می‌دادم، اما فایده‌ای نداشت. او چند روزی بود تلفنی با مردی به عنوان فروشنده سکه‌های قدیمی حرف می‌زد. فروشنده به او گفته بود مقدار زیادی سکه‌های قدیمی پیدا کرده و حاضر است آنها را به بهای کمی به برادرم بفروشد. برادرم حرف آن مرد را باور کرده بود و می‌خواست به هر قیمت به آن گنج دست پیدا کند. هر چه او را نصیحت کردم که حرف آن مرد را باور نکنند، فایده نداشت تا اینکه خودروی شخصی و اموالی را که داشت، فروخت تا توانست ۱۲۰ میلیون

تومان پول نقد فراهم کند. وی ادامه داد: روز حادثه برادرم ۱۲۰ میلیون تومان پولش را داخل یک نایلون مشکی گذاشت و از من خواست همراه او به محل قرار بروم. اول قبول نکردم، اما وقتی اصرار کرد مجبور شدم همراهش بروم. اول به بازار رقتیم و یک دستگاه هوا برش به همراه قالب شمش خرید. گفتم که فروشنده از او خواسته این دستگاه را بخرد تا سکه‌ها را همان جا ذوب کند و به صورت شمش تحویلش دهد. بعد از خرید دستگاه، در خیابان دو مرد ناشناس را که از قبل به عنوان فروشنده سکه با برادرم قرار گذاشته بودند، سوار خودروی برآید من کردم. همراه آنها به ساختمانی هشت طبقه و نوساز در خیابان گلستان دهم، حوالی میدان هروی رقتیم. من ماشینم را کنار کوچه پارک کردم و با برادرم دستگاه هوا برش را برداشتم و وارد ساختمان شدیم. مرد میانسالی که در اتاقک نگهبانی بود با دیدن دو مردی که همراهمان بودند، در را باز کرد و به آنها احترام گذاشت. بعد از خواست آن دو مرد سوار آسانسور شدیم و به آپارتمانی در طبقه سوم رفتیم. داخل آپارتمان فقط یک پتو افتاده بود و چیز دیگری نبود. دستگاه برش را کناری گذاشتم و خودمان هم روی پتو نشستیم و منتظر سکه‌ها ماندیم. هنوز دقایقی نگذشته بود که چند مرد از در آشپزخانه که پله‌های اضطراری در آن قرار داشت با چوب و چاقو به ما حمله کردند. آنچنان غافلگیر شده بودیم که فرصت هیچ حرکتی نداشتیم. آنها در همان لحظه اول بوذر سفید رنگی را که شبیه آهک بود به صورت ما پاشیدند.

در حالی که دنیا پیش چشم‌هایمان تار شده بود، دو ضربه محکم چوب به سرم فرود آمد و در ادامه هم دو ضربه چاقو به دوران پام اصابت کرد. در حالی که از شدت درد و سوزش چشم‌هایم به خود می‌پیچیدم، متوجه شدم برادرم نایلون پول‌هایش را بغل گرفته و قصد فرار دارد که مردان چوب و چاقو به‌دست او راه گرفتند. فقط صدای فریادهای کمک خواهی‌اش را می‌شنیدم که معلوم بود آنها با چوب و چاقو به جانش افتاده بودند. با صدای بلند از او خواستم پول‌هایش را به آنها بدهد و جانش را نجات

متهم قتل عام خانوادگی به زودی محاکمه می‌شود

پسر شیشه‌های که یک سال قبل پدر، مادر و پدر بزرگش را در اقدامی هولناک به قتل رسانده بود، به زودی پای میز محاکمه حاضر خواهد شد.

است که صبح روز ۸ آذر ماه سال قبل با یکی از دوستانش به کلاتری کن رفت و گفت پدر، مادر و پدر بزرگش را در خانه با چاقو به قتل رسانده است. پس از این ادعا تیمی از مأموران کلاتری برای تحقیق به محل حادثه که آپارتمان شماره ۱۱۲ مجتمع شفق در نزدیکی کلاتری بود، رفتند.

مأموران در بررسی پذیریای خانه با دو جسد پتویچ شده که متعلق به زن ۵۰ساله‌ای به شهرنامی (مادر متهم) و جسد مرد سالخورده‌ای به نام یعقوب (پدر بزرگ متهم) روبرو شد.
شندن که با اصابت چاقو به قتل رسیده بودند. مأموران در گام بعدی جسد پدر خانواده - رحمان - را از صندوق عقب خودروی پدر متهم کشف کردند. پس از اعلام این خبر، بازپرس ویژه‌قتل از دادسرای جنایی تهران به همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پای در قتلگاه این خانواده گذاشت. کارآگاهان در بررسی‌های محل حادثه از اتاق ماهان یک عدد پایپ - وسیله مخصوص مصرف مواد مخدر شیشه - کشف کردند که حکایت از آن زده است. ماهان پس از مصرف شیشه دست به این جنایت زد است. نخستین تحقیقات نشان داد مادر متهم معلم و پدرش هم کارمند شهرداری بوده و به تازگی بازنشسته شده بود و شب حادثه هم پدر بزرگ ماجرای‌اش مهمان آنها بوده که این حادثه دلخراش رخ داده است. در بررسی‌های بعدی مشخص شد قاتل پس از حادثه قصد داشته اجساد را با خودرواش به خارج از شهر منتقل کند که با توجه به سنگینی جسد‌ها نتوانسته و از دوستش کمک گرفته، اما دوستش او را به پلیس معرفی کرده است. دوست ماهان گفت: ساعتی قبل در خانه خواب بودم که با صدای زنگ



حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۳۵

قتل جوینده گنج در ساختمان ۸ طبقه

طمع کردن برای رسیدن به ثروت یک‌شبه جان مرد را گرفته است

دهد، اما لحظاتی بعد یکد نیمه جانش را کنار من آوردند. پس از این ضاربان دست و پای مرا با پارچه‌ای بستند و از خانه به سرعت خارج شدند. صدای ناله و نفس آخر برادرم را می‌شنیدم. لحظه‌های زجر آوری بود. در چنین شرایطی خودم را به سختی به در بالکن رساندم و باسختی در را باز کردم و خودم را به داخل بالکن رساندم. خون تمام بدنم را گرفته بود که متوجه شدم زنی در حال عبور از کوچه‌است. با داد و فریاد از او کمک خواستم که او نگاهش را به طرف من برگرداند. وقتی مرا خونین روی بالکن دید بلافاصله بااداره پلیس تماس گرفت و در خواست کمک کرد.

■ ماجرا از زبان زن همسایه

زن همسایه که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: من در نزدیکی محل حادثه زندگی می‌کنم. ساختمان محل حادثه تازه ساخت است و هنوز کسی در آن زندگی نمی‌کند. در حال رفتن به خانه بودم که صدای کمک‌خواهی‌ها را می‌شنیدم. کنجکاو شدم و به دنبال صدا گشتم که چشم‌انجم به مرد زخمی روی بالکن این ساختمان افتاد. او از من خواست تا با پلیس تماس بگیرم و من هم به اداره پلیس زنگ زدم و موضوع را خبر دادم. هم‌زمان با ادامه تحقیقات، تیم جنایی مالک ساختمان هشت طبقه را شناسایی کرد و مورد بازجویی قرار داد. وی گفت: این ساختمان مدتی قبل تکمیل شد، اما هنوز کسی در آن زندگی نمی‌کرد و فقط سرباید در اتاقک نگهبانی‌اش زندگی می‌کرد. مدتی قبل مردی به نام همایون برای کار نگهبانی به من مراجعه کرد و در این ساختمان شروع به کار کرد. او مدعی بود اهل شهرستان است و کارت شناسایی معتبری هم نداشت. او کلید واحدها را در اختیار نداشت و نمی‌دانم چطور ی کلید واحد ۳ را به‌دست آورده است.

در ادامه جسد مقتول برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. کارآگاهان جنایی به دستور قاضی سعیداحمدییگی، تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری ضاربان شناسان آغاز کرده‌اند.

۲۶۳ سال زندان، مجازات تعرض پلیس امریکایی به زنان سیاهپوست

پلیس متجاوز به زنان سیاهپوست در امریکا به ۲۶۳ سال زندان محکوم شد.

این مرد ۲۹ ساله که دانیل هولتز کلاؤ نام دارد و در ایالت او کلاهاما خدمت می‌کرد، متهم است هنگام انجام وظیفه به زنان سیاهپوست تجاوز می‌کرده است. بررسی‌ها نشان داده است که او در حال گشت‌زنی در یکی از فقیرترین محله‌های او کلاهاما، در جریان پرونده‌های جداگانه هشت زن سیاهپوست را متوقف و به زور به آنها تجاوز کرده است.

تحقیقات حکایت از این دارد که قربانیان او طیف گسترده‌ای از زنان سیاهپوست بودند به طوری که در میان آنها یک مادر بزرگ و یک دختر ۱۷ ساله هم دیده می‌شوند. رای پرونده روز پنج‌شنبه از دادگاه محلی او کلاهاما صادر شد. چند نفر از شاکیان پرونده در جلسه حاضر شده و ماجرای سیاه را برای دادگاه شرح داده بودند. قاضی پس از ختم رسیدگی، متهم را به ۲۶۳ سال زندان محکوم کرد. این رای توسط هیئت منصفه به قاضی پیشنهاد شده بود.



ماجرای جویبی پلنگ گرسنه

پلنگ گرسنه بعد از مجروح کردن چوپان جوان بدون حمله به گوسفندان محل را ترک کرد.

چندروز قبل بود که چوپان جوانی از روستای داغدار بسا محیط‌بانان شهرستان در گز تماس گرفت و آنها را از حمله پلنگ با خبر کرد. بعد از حضور محیط‌بانان مشخص شد که چوپان جوان که با حمله پلنگ مجروح شده بود، به بیمارستان منتقل شده است. محیط‌بانان همچنین متوجه شدند که تلاش چند چوپان دیگر برای دور کردن پلنگ که با کمک‌خواهی چوپان زخمی در محل حاضر شده بودند، ثمری نداشت و پلنگ اطراف گله پرسه می‌زند. وقتی محیط‌بانان در محل حاضر شدند پلنگ به خودروی آنها حمله و سعی کرد که خودرو را از محل دور کند. محیط‌بانان بعد از تلاش موفق شدند که پلنگ را از محل دور کنند. چوپان زخمی که عیبی نام دارد، در شرح ماجرا گفت: نزدیک غروب بود که در کمال تعجب دیدم یک پلنگ به سمت گله در حرکت است. پلنگ ابتدا با سگ‌های گله مواجه شد، ولی به پارس کردن سگ‌ها اعتنایی نکرد و به سمت گله گوسفندان آمد. من به قصد پیشگیری از آسیب پلنگ به گوسفندان جلوگیری کردم و لحظه‌ای کوتاه پلنگ به من حمله کرد و نهایتاً در حالی که از ناحیه دست زخمی شده بودم با کمک سگ‌های گله از دست پلنگ نجات یافتم. عیبی ادامه داد: با وجود این درگیری‌ها پلنگ از گله دور نمی‌شد تا اینکه با تلفن همراه به چوپانان دیگر خبر دادم و آنها هم به محل آمدند، اما پلنگ باز هم دور نمی‌شد. سرانجام با محیط‌زیست تماس گرفتیم و چند مأمور به محل آمدند و آنها هم هر کاری کردند نتوانستند پلنگ را دور کنند. نهایتاً پس از چندین شلیک هوایی توسط مأموران،

پلنگ در کمال بی‌اعتنایی محل را

ترک کرد.



۲۹ کشته و زخمی

در تصادفات پایان هفته

۲۹ نفر در جریان چند سانحه رانندگی در پایان هفته کشته و زخمی شدند.

در اولین حادثه نقص فنی در موتور اتوبوس مسافری باعث آتش‌سوزی این خودرو شد. ۱۷ مسافر این اتوبوس از مرگ نجات یافتند.

ایسن حادثه ساعت ۵ و ۴۱ دقیقه صبح روز پنج‌شنبه در مسیر آشنخانه به بجنورد اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس و امدادگران بعد از حضور در محل و خاموش کردن شعله‌های آتش نشان داد که این اتوبوس با ۱۷ مسافر از شهرستان انزلی راهی مشهد بوده است که در این محل دچار حادثه می‌شود.

سرهنگ علیرضا حسینی‌زاده، رئیس پلیس راه خراسان شمالی علت حادثه را نقص فنی در موتور اتوبوس اعلام کرد و گفت: راننده به‌موقع از آتش‌سوزی باخبر شده و بلافاصله بعد از توقف، مسافران را پیاده کرده بود.

■ ۴ کشته در سرعت غیرمجاز پژو

سرعت غیرمجاز و انحراف به چپ خودروی پژو باعث تصادف این خودرو با کامیون و مرگ چهار سرنشین آن شد. این حادثه روز گذشته در محور ایلام به مهران اتفاق افتاد که چهار سرنشین پژو در دم جان باختند و یک نفر هم که مجروح شده بود، به بیمارستان منتقل شد.

■ تصادف اتوبوس با تریلر

در جریان حادثه‌ای دیگر ۹ نفر از سرنشینان یک اتوبوس مسافری در تصادف با تریلر مجروح شدند. این حادثه با امداد پنج‌شنبه در مسیر نطنز به کاشان اتفاق افتاد و مجروحان حادثه به بیمارستان شهید بهشتی منتقل شدند. علت این حادثه در دست بررسی است.

■ مرگ مسافران در آتش

در جریان حادثه‌ای دیگر تصادف نفتکش با خودروهای پژو و پرآید در محور مریوان به سنندج مرگ سه مسافر را در شعله‌های آتش به همراه داشت. این حادثه روز گذشته، حوالی روستای نگل اتفاق افتاد. وقتی امدادگران خود را به محل حادثه رساندند متوجه شدند که سه نفر به دلیل سسوخنگی کامل جان خود را از دست داده‌اند و شش نفر دیگر که دچار سوختگی شده بودند به بیمارستان منتقل شدند.

■ ۲ کشته در واژگونی پژو

واژگونی خودروی پژو در محور سوزواره به نیشابور هم دو کشته و چهار زخمی بر جای گذاشت. این حادثه روز پنج‌شنبه در کیلومتر ۲۰ این محور اتفاق افتاد و خودروی پژو به علت خستگی و خواب‌آلودگی راننده از جاده منحرف و واژگون شد. راننده ۲۳ ساله و زنی ۶۶ساله در دم جان باختند و چهار سرنشین دیگر خودرو که دو مرد و دو زن بودند، زخمی و راهی بیمارستان شدند.

پشتاب‌های حقوقی

حقوق بین‌الملل

فناوری ارتباطات و اطلاعات اختصاص به یک ملت یا سرزمین خاصی ندارد و در حال حاضر کل جوامع انسانی از آن بهره‌مند هستند، به همین خاطر جرائم مرتبط با این فناوری‌ها نیز جنبه فرامرزی پیدا کرده‌اند و کشورهای متخلف را بر آن داشته تا با تصویب توافقنامه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف در جهت پیشگیری، جلوگیری از وقوع جرم و مجازات مجرمان در این زمینه‌ها اقدام کنند. در این کنوانسیون‌ها کشورهای ذی‌ربط تعهد شده‌اند مقررات داخلی لازم را تصویب کنند. در سال ۲۰۰۱ کمیته کارشناسان جرم فضای سایبری که از طرف شورای اروپا تعیین شده بودند، پیش‌نویس کنوانسیون جرم سایبری را تهیه کردند و وزیران خارجه کشورهای عضو شورای اروپا این کنوانسیون را به تصویب رساندند. این کنوانسیون که به کنوانسیون جرائم سایبری معروف است از اسناد مهم بین‌المللی در این زمینه است.

شوند غیرمجاز نیز به عنوان جرم در این کنوانسیون که به نام کنوانسیون بوداپست معروف است، پیش‌بینی شده است. سازمان ملل متحد اولین سازمان بین‌المللی است که در صدد طبقه‌بندی جرائم رایانه‌ای برآمد. این سازمان جرائم رایانه‌ای را به دو دسته کلی تقسیم کرده است که شامل جرائم سنتنی مانند جعل و کلاهبرداری می‌شود و جرائم جدید که شامل سوءاستفاده توسط رایانه است.

پلیس جنایی بین‌الملل (اینترپل) به عنوان یک سازمان اجرایی بین‌المللی، جرائم رایانه‌ای را تقسیم‌بندی کرده است: دستیابی غیرمجاز، نفوذ غیرمجاز (هک)، شود غیرمجاز و سرقت زمان رایانه‌ها، در موضوع کلاهبرداری رایانه‌ای نیز به موضوع سوء استفاده تلفنی به منظور استراق سمع یا استفاده از خدمات مخایرات اشاره شده است.

براساس اصل ۲۵ قانون اساسی بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمه‌های تلفنی، افشای مخایرات و تلگرافی و تلکس، سانسور، مخایره نکردن و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.